اخبار

معاون اول رئیس جمهور:

هرعمل مجرمانه از ناحیه اتباع ایرانی یا غیرایرانی تابع مجازات است

معاون اول رئیس جمهوری با بیان اینکه نادیده گرفتن حاکمیت ملی و عبور غیرقانونی از مرز را نباید نادیده گرفت، تأکید کرد: یک افغانستان یکپارچه، متحد آرام و موفق برای ایران تکیه‌گاهی استوار و قابل اعتنا است.

محمدرضا عارف در گفت‌وگو با «ایرنا» درباره اتباع بیگانه و اخبار و شایعات مطرح شده در فضای مجازی، با تأکید بر اینکه سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران درباره حضور پناه‌جویان روشن است و با تغییر روبه رو نشده، گفت: «دولت بر اساس قوانین و در قالب توان و استعداد موجود این موضوع را در شرایط خاص کنونی همراه با سایر مسائل جاری دنبال می‌کند.»

وی با اشاره به اینکه لازم است نگرش آسیب‌شناسانه به ماهیت این امر داشته باشیم، ادامه داد: «اکنون به دلیل شرایط سخت افغانستان جمعیت میلیونی قابل شماری در ایران از خدمات گسترده‌ای برخوردار هستند که مدیریت این شرایط هزینه‌های سنگینی را بر بودجه کشوری که تحت تحریم‌ها قرار دارد، تحمیل کرده است.»

عارف گفت: «برای ساماندهی، لازم است مدیریت منسجم و هماهنگی باشد تا علاوه بر عبور این جمعیت از وضعیت ایام هجرت، زمینه بازگشت آنان به سرزمین مادری به نحو شایسته‌ای فراهم شود.»

وی با بیان اینکه ما با گروه‌های متنوعی از اتباع افغانستان روبه رو هستیم که وضعیت اقامتی آنان یک قالب مشخص ندارد، اظهارکرد:« ورود غیرقانونی اتباع در همه جای دنیا جرم است. قوانین ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. نادیده گرفتن حاکمیت ملی و عبور غیرقانونی از مرز را نباید ساده گرفت. بخشی از مشکل جمعیتی از اتباع برخاسته از همین وضعیت است. حتی نابسامانی اتباعی که غیرقانونی از مرز عبور کرده‌اند، می‌تواند خسارت جبران‌ناپذیری را متوجه هموطنانشان که دارای اقامت قانونی هستند بکند. مساله دیگر، متوجه گروه دیگری است که به صورت قانونی وارد می‌شوند اما بی‌توجه به قوانین در پایان دوره مقرر کشور را ترک نمی‌کنند یا غیرقانونی به اشتغال مبادرت می‌ورزند. در این شرایط بخش اندکی از افراد فاقد صلاحیت برای استمرار حضور غیرقانونی خود دست به اعمال خلاف می‌زنند که نه تنها جرم تلقی می‌شود بلکه اثر سوئی بر امنیت ملی دارد.»

وی گفت: «گروهی که دارای اقامت قانونی هستند، تلاش کنند در برابر عده کم‌شماری که با ارتکاب بزه آسایش آنان را مختل می‌سازند، مسئولانه گام بردارند. هر عمل مجرمانه از ناحیه اتباع ایرانی یا غیرایرانی تابع مجازات و کیفر است و اقدام قانونی با مجرمان و بزهکاران ایرانی و غیر ایرانی یکسان خواهد بود.»

وزیر امور خارجه به دولت گزارش داد

احترام اعضای بریکس به مقاومت پیروزمندانه ایران

صبح دیروز هیأت دولت به ریاست مسعود پزشکیان رئیس جمهوری تشکیل جلسه داد. در این جلسه علاوه بر طرح موارد اجرایی دستگاه‌ها، سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه گزارشی از حضور در اجلاس بریکس و دیدارهای حاشیه آن و نیز سفر به عربستان سعودی ارائه کرد. به گزارش ایرنا، عراقچی از احترام ویژه اعضای بریکس نسبت به مقاومت پیروزمندانه ملت و دولت ایران در برابر تهاجم آمریکا و رژیم صهیونیستی، گفت و جلوه‌های اتحاد و انسجام ملت ایران و نقش بازدارنده این وحدت و نیز موشک‌های پیشرفته نیروهای مسلح کشورمان در شکست اهداف و برنامه‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا را از زاویه دید مقامات و دیپلمات‌های سایر کشورها در اجلاس بریکس، برای اعضای دولت تشریح کرد.

کارشناسان مذهبی و سیاسی تبیین کردند

سه ستون قوام و دوام ایران

گزارش

الهام یوسفی
گروه سیاسی

کشور یا تمدن ایران قدمتی چندهزار ساله دارد. مشخصا درباره آنچه «تمدن» به معنای شهرنشینی‌اش، یا آنچه «نخستین حکومت‌ها» خوانده می‌شود، می‌توان گفت این امر در ایران حدود ۴۷۰۰ سال قدمت دارد، یعنی از زمانی که عیلامیان در بخش‌هایی از عراق و خوزستان امروزی حکومت تشکیل داده بودند. اما مسأله مهم‌تر درباره «ایران» این است که به رغم قدمت حدود ۵ هزار ساله‌اش، امروز همچنان یکی از سؤال‌های رایج این است: «ایران چیست؟ ایران یک فرهنگ است یا یک سرزمین؟ اگر یک فرهنگ است، عناصر آن چیست؟» کمتر کشوری را می‌توان یافت که تعریف و شناسایی اجزای فرهنگ و تاریخش، همچنان یک «مسأله» یا یک «سؤال» باشد. اما چرا ایران همچنان مسأله یا همچنان سؤال است؟ در پاسخ به اینکه «چرا ایران را حافظ و نگهبان خرد و آزادی انسان می‌دانند؟» می‌توان گفت شاید به این دلیل که ایران یک «آتشکده فرهنگی» است. منظور از اینکه ایران یک «آتشکده فرهنگی» است، این است که ایران در طول تاریخش -به تعبیر احمد شاملو- «به پای‌دارنده آتش‌ها» بوده است، آتش آزادی، آتش خرد، آتش حرمت انسان و آتش ایمان توحیدی. ایران را باید ترکیب یا پیوندی متشکل و مقوم، از عناصر متنوعی چون زبان، اقوام، سرزمین، تاریخ، دین و مانند آن دانست.

اما چرا برخی انسان‌ها این عناصر را از هم تفکیک می‌کنند و برخی فقط زبان و تاریخ ایران و برخی فقط دین را برجسته می‌کنند؟ یک پاسخ این است که این تفکیک‌گران، در این تفکیک غرض و مرضی را دنبال می‌کنند، غرض و مرض اینکه ایران را از عناصر قدرت‌بخش و شکل‌دهنده‌اش جدا کنند و با استفاده از این جداسازی، قدرت و نفوذ خود را صورتبندی کنند. اما این تلاشی است «دون کیشوت»وار، چرا که اگر این افراد بخواهند اجزای متنوع و مقوم تاریخ، هویت و فرهنگ ایران را از هم جدا کنند، درنهایت کاری بیش از نبرد دون کیشوت با آسیاب‌های بادی نخواهد بود؛ به این ترتیب که آنان فقط خود را مضحکه می‌سازند و آنچه در نهایت استوار می‌ماند، ایران موحد در طول تاریخ و مسلمان است.

به رغم این نزاع‌ها و کشاکش‌ها که در میان است، وظیفه‌ای بر دوش ایران‌خواهان و ایران‌شناسان راستین سنگینی می‌کند. این وظیفه این است که ایران را باید در کلیت آن شناخت و در کلیت آن معرفی کرد. ایران امروز، هم حامل اسلام انقلابی مبتنی بر تسلیم‌ناپذیری است، هم حامل فرهنگ ایرانی با همه اجزای آن اعم از زبان و شعر و ادبیات و موسیقی، و هم عرفان شیعی آن که شیخ شهاب‌الدین سهروردی و ملاصدرا قله‌های آن بودند.

ایران اصیل ترکیبی از چنین سه‌گانه‌ای است، سه‌گانه‌ای که هم مقوم وحدت، تعریف ملیت، عامل هویت و ناجی این سرزمین است و هم سه‌گانه‌ای که باید به جهان شناساند. ایران با این اجزای سه‌گانه است که می‌تواند استقلال خود را از نئولیبرالیسم لجام‌گسیخته، جهان‌وطنی بی‌سرزمین و اساساً هر نیروی مخربی که از هر کجای زمین می‌آید مقابله کند. چرا که ایرانی با چنین اجزا، ریشه‌های طولانی و هزاران ساله در این سرزمین دارد و چشم‌اندازی وسیع برای آینده. انکار هر ضلع، انکار ایران و تلاشی برای تضعیف و شکنندگی آن است.

عکس: شبستان

> ایران چیست؟ ایران یک فرهنگ است یا یک سرزمین؟ اگر یک فرهنگ است، عناصر آن چیست؟ هیچ کشوری را نمی‌توان یافت که تعریف و شناسایی اجزای فرهنگ و تاریخش، همچنان یک «مسأله» یا یک «سؤال» باشد

یادداشت

چرا ایران کانون بی‌بدیل در جهان اسلام است؟

آیت‌الله سیدمحمد غروی
عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

فرهنگ اسلامی-ایرانی، به‌عنوان یکی از بارزترین ویژگی‌های هویتی ملت ایران، در طول تاریخ نه‌تنها عامل همبستگی و انسجام ملی بوده، بلکه به دلیل اصالت و عمق خود، ایران را به کانونی بی‌بدیل در جهان اسلام تبدیل کرده است. این فرهنگ که از تلفیق آموزه‌های ناب اسلامی و میراث کهن ایرانی شکل گرفته، نه‌تنها جدایی‌ناپذیر است، بلکه در تکامل و تقویت یکدیگر نقش اساسی ایفا کرده‌اند.

اسلام در ایران، برآمده از تعالیم والای قرآن کریم و سیره اهل بیت(ع) است. مردم ایران از همان قرون اولیه اسلامی، با دلبستگی عمیق به اهل بیت(ع)، مسیر خود را در پیروی از این خاندان پاک قرار داده‌اند. این ارادت و پایبندی به آموزه‌های اهل بیت(ع)، نه‌تنها در زندگی روزمره و باورهای دینی مردم ایران ریشه دوانده، بلکه در بزنگاه‌های تاریخی نیز به‌عنوان یک نیروی معنوی و هدایتگر عمل کرده است. نمونه بارز این موضوع، عزیمت امامزادگان به ایران در دوران‌های سخت و پرآشوب است. این بزرگواران که برای رهایی از ظلم و ستم خلفای عباسی و اموی به ایران پناه می‌آوردند، با استقبال گرم و حمایت مردم ایران مواجه شدند. این استقبال، نشان‌دهنده عمق ارادت مردم ایران به اهل بیت(ع) و آمادگی آنها برای دفاع از ارزش‌های اسلامی بود.

از سوی دیگر، فرهنگ ایرانی با ریشه‌های عمیق در تمدنی چند هزار ساله، از ارزش‌های والایی سرشار است. این فرهنگ کهن با پذیرش اسلام نه‌تنها تضعیف نشد، بلکه با غنای معنوی اسلام، به شکوفایی بیشتری رسید. نتیجه این هم‌افزایی، خلق هویتی منحصربه‌فرد است که مردم ایران را از دیگر ملت‌ها متمایز می‌کند. فرهنگ اسلامی-ایرانی، با اصالتی بی‌مانند، به‌گونه‌ای است که نه‌تنها در برابر تهاجمات فرهنگی و سیاسی تاب آورده، بلکه در لحظات حساس تاریخ، به‌عنوان محور وحدت و انسجام ملی عمل کرده است.

این انسجام ملی، که ریشه در فرهنگ اسلامی-ایرانی دارد، نعمتی الهی است که بارها در تاریخ ایران خود را نشان داده است. به‌عنوان مثال، در جنگ رژیم صهیونیستی علیه ایران، دشمنان ایران با تکیه بر تحلیل‌های نادرست خود، تصور می‌کردند که اختلافات سیاسی، فکری یا عقیدتی می‌تواند پیوندهای ملی را سست کند. اما مردم ایران، با بازگشت به حقیقت هویتی خود، یعنی فرهنگ اسلامی-ایرانی، بار دیگر وحدت و همدلی را به نمایش گذاشتند.

این انسجام که در دل فرهنگ اسلامی-ایرانی نهفته است، ایران را از دیگر کشورهای منطقه، حتی کشورهایی چون سوریه یا عراق شیعی، متمایز می‌کند. این ویژگی، نه‌تنها یک مزیت فرهنگی و اجتماعی، بلکه یک قدرت نرم بی‌بدیل است که باید قدر آن را دانست و برای تقویت آن کوشید.

تقویت فرهنگ اسلامی-ایرانی، به‌عنوان یک سرمایه بی‌مانند، نیازمند توجه ویژه به ارزش‌های دینی و ملی، آموزش نسل جوان، و ترویج این فرهنگ در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی است. این فرهنگ غنی که ریشه در ارادت به اهل بیت و اصالت تمدن ایرانی دارد، می‌تواند ایران را به‌عنوان الگویی الهام‌بخش در جهان معرفی کند. حفظ و پاسداشت این نعمت الهی، نه‌تنها به استحکام وحدت ملی کمک می‌کند، بلکه جایگاه ایران را به‌عنوان کانون تمدن و معنویت در جهان تثبیت خواهد کرد.

مؤلفه‌های قدرت نرم ایران

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فاضل میبدی
استاد حوزه

جامعه ایرانی بر دو بنیان اصلی برآمده از دین اسلام و تمدن ایرانی استوار است و نقطه مشترک هر دو این مؤلفه‌ها نیز عزت و کرامت انسان است که در ذیل آن معیارها و شاخص‌هایی همچون آزادی، عدالت، عقلانیت و صلح تعریف می‌شوند. این، خلاصه آن بنیان‌های فکری- عقیدتی است که جامعه ایرانی امروز ما برآن بنا شده است. جامعه ایرانی در مواجهه با جهان خارج همچون جهان غرب هم، از همین بنیان‌ها به مثابه قدرت نرم بهره می‌گیرد. بنابراین حال که این عناصر، جزو مؤلفه‌های قدرت درونی و بیرونی ما هستند، مؤلفه‌هایی قوی برآمده از تاریخ که قوی‌تر از هر سلاحی عمل می‌کنند، باید این عناصر و مؤلفه‌ها را تقویت و از دوگانه سازی‌های تضعیف کننده آنها جلوگیری کرد.

مع الاسف حتی امروز یعنی شرایط پس از جنگ که همین مؤلفه‌ها، جزو عناصر اصلی مقوم و حفظ ثبات و کیان ایران اسلامی بود، علی‌رغم این واقعیت، مهم‌ترین دوگانه‌ای که پیش و پس از جنگ در ادبیات و رویکرد معدودی از جریان‌های فکری و سیاسی به چشم می‌خورد، جداسازی و فراتر از آن در مقابل هم نشان دادن اسلامی بودن و ایرانی بودن است. آن هم در شرایطی که همه اندیشمندان بر این نکته متفق القول هستند که چنین رویکردی، مؤلفه‌های قدرت نرم ایران را تضعیف می‌کند. رجوع به آثار برجسته ادبیات فارسی همچون شاهنامه فردوسی، گلستان سعدی و آثار نظامی، نشان می‌دهد که در این آثار به عنوان برسازنده تاریخ ما، تنها و تنها یک چیز به چشم می‌آید؛ پیوند عمیق میان این دو مفهوم که نقاط اشتراک آن را برجسته می‌سازند.

از سوی دیگر این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که آنچه برای جامعه ایرانی هنگام پذیرش اسلام و پیوستن به شکل دادن به قلمرو وسیع تمدن ایرانی -اسلامی جذابیت داشت، تأکید اسلام بر عزت و کرامت انسان و قرار داشتن آزادی و عدالت در رأس ارزش‌های آن بود. اینها ارزش‌های مشترکی بودند که اسلام و ایران را به یکدیگر پیوند دادند و این پیوند را عمیق کردند. ایرانیان اسلام را به عنوان دینی آزادیبخش پذیرفتند و با صلح‌جویی و میهمان نوازی و دیگر خصلت‌های اجتماعی خود تلفیق کردند. متأسفانه اصالت دادن به این مؤلفه‌ها در فرهنگ جاری جامعه کم‌رنگ شده و بیشتر در کتاب‌ها و ادبیات باقی مانده است. حال آنکه اگر این ارزش‌ها به زندگی روزمره باز نگردند در مدیریت کشور هم بروز و ظهور نداشته باشند، خطر تجزیه و تضعیف انسجام ملی وجود دارد. تجربه «جنگی که رژیم صهیونیستی بر ایران تحمیل کرد» به عنوان نمونه‌ای از همبستگی ایرانیان در برابر تهاجم خارجی نشان‌دهنده اهمیت عنصر ایرانیت در وحدت ملی است. با این حال برای تثبیت و تعمیق این همبستگی باید به بازخوانی تاریخ و ادبیات و احیای ارزش‌های اصیل ایرانی ـ اسلامی پرداخت و تقویت قدرت نرم و انسجام اجتماعی را از این مسیر جست وجو کرد.

اسلام و ایران؛ وحدت هویتی نه تضاد تمدنی

علی مطهری
نایب رئیس پیشین مجلس

در سال‌های اخیر تلاش‌هایی در جامعه ما صورت گرفته است تا میان اسلام و ایران نوعی دوگانگی القا شود. در این القائات، این طور وانمود می‌شد که گویی اسلام عنصری بیگانه است که بر پیکره فرهنگ و هویت ایرانی تحمیل شده و در تقابل با ملیت ایرانی قرار دارد. این نگاه، نه‌تنها با واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی ایران ناسازگار است، بلکه برخاسته از نوعی رویکرد مغرضانه و گاه استعماری است که هدف آن تضعیف وحدت ملی و هویتی ایرانیان است. در عین حال برخی هم برآن هستند تا با برجسته‌سازی ایران باستان، اسلام را به عنوان عنصری بیرونی و بیگانه، از ملیت ایرانی جدا کنند. همه این تلاش‌ها و القائات دوگانه، درحالی است که واقعیت تاریخی ایران در سده‌های اخیر، یعنی آنچه در بطن و متن تاریخ این سرزمین روی داده است، چیز دیگری را نشان می‌دهد. آنچه تاریخ به ما می‌گوید، از این قرار است که ملت ایران از قرن اول هجری، با رغبت و اختیار اسلام را پذیرفت؛ بدون آنکه این پذیرش، ناشی از اجبار یا تحمیل باشد.

شواهد تاریخی نیز مؤید این نکته است، از جمله حفظ آتشکده‌ها در سراسر ایران پس از ورود مسلمانان که نشان‌دهنده عدم فشار از سوی مسلمانان برای تغییر مذهب در ایران است. اساساً در ایران ملیت مفهومی مرکب از عناصر مختلفی چون نژاد، آداب و رسوم، زبان و مذهب است. در میان این عناصر، اسلام نه‌تنها بخشی از فرهنگ ما شده است، بلکه یکی از ارکان اصلی شکل‌گیری هویت ملی ایرانیان در ۱۴۰۰ سال اخیر بوده است. از این رو، نمی‌توان میان «ملیت ایرانی» و «اسلام» مرزی قائل شد. این دو عنصر به لحاظ تاریخی در هم تنیده هستند و وحدتی پایدار را پدید آورده‌اند. شهید مطهری در کتاب معروف خود، «خدمات متقابل اسلام و ایران»، به خوبی به این مسأله پاسخ داد و استدلال کرد که آنچه مورد پذیرش یک ملت قرار می‌گیرد، حتی اگر از بیرون آمده باشد، به بخشی از فرهنگ بومی تبدیل می‌شود و دیگر نمی‌توان آن را بیگانه دانست. از همین منظر، اسلام در ایران، نه یک دین تحمیلی، بلکه یک انتخاب آگاهانه و فرهنگی پذیرفته‌شده است. در دوران پهلوی، سیاست رسمی رژیم شاهنشاهی تلاش برای بازگشت به ایران پیش از اسلام و ترویج ناسیونالیسم منهای مذهب بود. اما جامعه ایرانی مقابل این امر واکنش نشان داد و مقاومت کرد، به این معنی که این پروژه را نپذیرفت و در نهایت، با قیام علیه این سیاست، پیوند عمیق میان دین و ملیت را تثبیت کرد. امروز هم هرگونه تلاش برای دوگانه‌سازی «اسلام ـ ایران» حرکتی مشکوک و گاه ریشه‌دار در تفکرات استعماری است. هویت ایرانی از در هم‌تنیدگی اسلام و ایران شکل گرفته و این پیوند یکی از مهم‌ترین عوامل انسجام و پایداری فرهنگی ملت ما در طول قرون بوده است. هرچند نمی‌توان این مسأله را نادیده انگاشت که تلاش‌های فکری شهید مطهری درباره پیوند یا خدمات متقابل اسلام و ایران، نیازمند بازخوانی و به روزشدن است تا از این منظر پرتو تازه‌ای بر اساس اصلی‌ترین عناصر هویت ما، یعنی اسلام و ایران افکنده شود.

یادداشت

بازخوانی مفهوم ملیت و ناسیونالیسم در ایران

مجتبی زارعی
استاد علوم سیاسی و عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس

در فضای اندیشه‌ورزی سیاسی ایران، بارها و بارها شاهد اشتباهی بنیادین در تفکیک مفهوم «ملیت» و «ناسیونالیسم» بوده‌ایم که همچنان این امر در جریانات و احزاب سیاسی مختلف رسوب و ادامه دارد. این اشتباه در فهم واژگان و ترمینولوژی مفاهیم، مانع شکل‌گیری یک نگاه عملی و تحقیقی دقیق به دو مفهوم مهم ملیت ایرانی و ناسیونالیسم می‌شود. ناسیونالیسم مفهومی نوظهور و به نسبت جدید است که در دو قرن اخیر و با قرارداد «وستفالیا» در اروپا ظهور یافته است.

«هنری کیسینجر» سیاستمدار و نظریه‌پرداز برجسته آمریکایی در آخرین اثرش با عنوان «نظم تاریخ»، اشاره می‌کند که «ایرانیان به روند ناسیونالیسم مدرن نپیوستند و مسیر ملیت خود را با سرشتی متفاوت رقم زدند.» واقعیت هم این است که ایرانیان از دوران صفویه تاکنون، «ملت» را تهی یا عاری از «معنویت» ندیده‌اند و سرشت ملی آنان همواره آمیخته با حکمت مشرقی و معنویت بوده است. همچنان که ایران باستان و دوران کلاسیک آن حامل یک حکمت مشرقی خاص است که حتی برخی معتقدند اندیشه‌های یونان باستان ریشه در ایران باستان دارد. این میراث معنوی و فلسفی با ورود اسلام، پیوندی مستحکم یافت و روند شکل‌گیری دولت-ملت در ایران متفاوت از مدل سکولار، یعنی جدایی دین و دولت در اروپا، بوده است. با توجه به این شواهد علمی و قرینه‌های تاریخی، در تاریخ معاصر ایران تلاش‌هایی برای ایجاد ناسیونالیسمی خالی از ویژگی‌های دینی، بویژه در دوره پهلوی انجام شد که با شکست مواجه شد. اما ملت ایران در رخدادهایی مانند ۸ سال دفاع مقدس و جنگ ۱۲روزه اخیر، تلفیقی بی‌نظیر از دین و ملیت را نشان داده است؛ ملیتی که معنویت و فرهنگ ایرانی درهم تنیده‌اند. همین تلفیق است که در مراسم شب عاشورا در حسینیه امام خمینی(ره) به روشنی جلوه‌گر می‌شود و رهبر انقلاب از مداح می‌خواهند که از ایران بخواند. درواقع ناسیونالیسمی که در غرب تعریف شده است، ترکیبی از دین و دولت نیست، اما در ایران این ترکیب به یک ویژگی تمدنی و هویتی خاص تبدیل شده است که شامل اسلام انقلابی، عرفان شیعی و فرهنگ ایرانی است.

ایران با سابقه چندهزار ساله خود، از این منظر متفاوت از روند ناسیونالیسم اروپایی است. در همین رابطه قرآن کریم نیز نسبت خاصی میان ملت و آیین برقرار می‌کند و اشاره به ملت‌های ابراهیم و عیسی دارد که نشان‌دهنده نسبت تاریخی و فرهنگی ملت و دین است. کیسینجر نیز این تمایز را در کتاب خود برشمرده است.

با این حال متأسفانه در برخی دیدگاه‌های سیاسی ایران، بویژه در میان اصولگرایان و اصلاح‌طلبان، مفاهیم ملیت و ناسیونالیسم به اشتباه به جای هم استفاده می‌شود که موجب سردرگمی و افتادن در تله‌های فکری شده است. واقعیت این است که جنگ هشت ساله ما را «ملی‌گرایی» نجات نداد، بلکه ملیت ایرانی که ترکیبی از دین و ملت است، نجات داد.

بنابراین، در شرایط کنونی باید از افتادن در دوگانه‌های غلط «امت-ملت» و نیز در دام‌های ارتجاعی ناسیونالیسم خالی از معنویت اجتناب کنیم. ایرانی که امروز با آن مواجهیم، یک ملت با خاصیت تمدنی است که مرزها را درمی‌نوردد و جهان‌شدگی را به عنوان ویژگی ذاتی خود دارد؛ برخلاف جهانی‌سازی آمریکایی‌ها، ما جهان‌بودگی را تجربه می‌کنیم. آنچه می‌تواند ایران را نجات دهد، درک دقیق و درست از مفهوم «ملیت ایرانی» است که شامل ترکیب دین، فرهنگ و دولت می‌شود، نه ناسیونالیسم صرف یا ملی‌گرایی تقلیل‌یافته.

نوبت دوم

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی

شرکت پتروشیمی پارس (سهامی عام) واقع در بندر عسلویه در نظر دارد «تهیه متریال و اجرای پوشش رنگ و عایق صنعتی سرد خطوط و تجهیزات واحد استحصال اتان در زمان تعمیرات برنامه‌ریزی شده در سال ۱۴۰۴» را پس از انجام ارزیابی کیفی، از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به یک شرکت معتبر واگذار نماید. بدین منظور از کلیه شرکت‌های معتبر و مجرب دعوت می‌شود، جهت ثبت‌نام در سامانه معاملات این شرکت و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی، حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از انتشار نوبت دوم این آگهی، به بخش سامانه معاملات در پایگاه اطلاع‌رسانی شرکت پتروشیمی پارس به نشانی https://www.parspc.ir مراجعه فرمایند.

مشخصات فنی و شرح کار پروژه در اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه درج شده است. در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر، مناقصه‌گران می‌توانند با شماره تلفن ۰۷۷۳۷۲۶۳۸۷۹ تماس حاصل فرمایند.

شرکت پتروشیمی پارس (سهامی عام) Pars Petrochemical Co. PGPIC

PARS PC

روابط عمومی شرکت پتروشیمی پارس